

بسم الله الرحمن الرحيم

سکولارسازی اندیشه

امروزه شبانه روز همه رسانه‌های جمعی در سراسر جهان مشغول تجزیه و تحلیل اوضاع جهان هستند تجزیه و تحلیل اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناختی، روانشناختی، تاریخی، علمی و فنی! ولی آیا هرگز در هیچ رسانه‌ای شاهد تجزیه و تحلیل و تفسیر دینی اوضاع و شرایط جهان هستیم؟ هرگز!

با دیگر کشورهای جهان کاری نداریم ولی آیا در جامعه اسلامی ما احادی به تحلیل و تفسیر دینی و عقیدتی اوضاع اشتغال دارد؟ تا آنجا که شاهدیم جز ما هیچ کس به این کار نپرداخته است. چرا؟ آیا جامعه ما دین ندارد، اخلاق ندارد؟ معرفت قرآنی ندارد، وجدان مذهبی ندارد، حکمت آخرالزمانی ندارد؟ آیا این همه آیت‌الله و حجت الاسلام و علامه و فیلسوف و فارغ‌التحصیلان علوم دینی کجایند و به چه کار مشغولند؟

چرا تحلیل دینی این قدر نایاب و قاچاق شده است؟ منظور از تحلیل دینی همان فهم دینی اوضاع است. چرا فهم دینی ممنوع شده است؟ این همان سکولار ساختن اندیشه و فهم بشر مدرن است. سکولار ساختن عقلانیت همان بی‌روح نمودن و از معنا ساقط کردن عقل و ادراک است.

رسانه‌های فارسی زبان به یک دلیل مانع تحلیل و تفسیر دینی اوضاع می‌شوند و رسانه‌های حکومتی هم به دلیلی دیگر! به هر حال این هر دو جناح پوزیسیون و اپوزیسیون در این امر مشترک‌المنافع هستند یعنی در سکولار ساختن اندیشه و عقیم کردن فهم!

اگر کسی برای این همه مفاسد و بحران‌های حاکم بر جامعه ما دلایل اخلاقی و عقیدتی و دینی و قرآنی بیاورد متهم به براندازی نرم می‌شود. یکی از اتهامات ما در دادگاه انقلاب، اهانت و تهمت به رهبر انقلاب بود در حالی که در مجموع آثار ما به طور مستقیم و غیرمستقیم هیچ اشاره‌ای به ایشان نیست. ولی مسئله اینست وقتی مهمترین علت این همه مفاسد و بحران‌های جامعه را بی‌هویتی عقیدتی و فقدان ایمان و اخلاق می‌خوانیم لابد همه اینها به رهبر انقلاب برمی‌گردد و ایشان مسبب این لامذهبی حاکم است در حالی که ایشان مستمراً مردم را به دین و تقوا توصیه می‌کند نه به فساد و لامذهبی! این یکی از مهمترین علل سکولار شدن اندیشه حاکم بر جامعه است تا آنجا که حتی روحانیون هم از تحلیل دینی اوضاع فراری هستند الا اینکه فقط بدحجابی زنان را باعث گرانی و تورم بخوانند که در این صورت سائر کشورهای بی‌حجاب جهان می‌بایستی تاکنون از روی زمین محو شده باشند. منتهی در پاسخ به این

مسئله می‌گویند که خداوند کافران را عذاب نمی‌کند و مهلت می‌دهد تا بر گناهان خود بیفزایند. این کل تحلیل دینی و اسلامی آقایان از اوضاع است: حجاب!

در حالی که در قرآن کریم آیه حجاب فقط خطاب به زنان پیامبر و مؤمنین است. آیا همه زنان جامعه ما از مؤمنین هستند؟! حاشا که اکثر قریب به اتفاق زنان امروز جامعه ما آشکارا کافر و منکر خدا و رسولند تا چه رسد به ایمان!

از آنجا که همه رهبران و مسئولین کشور ما خود را اسوه و تجسم کامل دین و مسلمانی می‌دانند و نماینده خدا و رسول می‌خوانند لذا تحلیل دینی از این اوضاع به‌غایت هولناک خود به‌خود به آنها بازمی‌گردد و گویا آنها هستند که متهم به بی‌دینی می‌شوند. اینست راز سکولار شدن و عقیم گشتن اندیشه در جامعه اسلامی ما! پس این سکولاریزم فکری و عقیدتی حاصل ترس از جان و امنیت است. زیرا اندیشه و فهم و تحلیل دینی شدیداً مسئولیت‌زاست و مردم ما از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کرده‌اند تا در امان باشند و سر از زندان درنیاورند و متهم به براندازی و خیانت و جاسوسی نشوند.

وقتی حکومتی خود را نماینده خدا و پیامبر و امام زمان بداند مردمش از ترس جان از دین و اندیشه و معرفت دینی تهی می‌شوند و سکولار و عقیم می‌گردند تا زنده بمانند. هر چند که این زندگی عین مردگی و گندیدگی است همان‌طور که شاهدیم!

امروزه در کوچه و خیابان و تاکسی تا در فضای مجازی و رسانه‌های عمومی رایج‌ترین تحلیل‌ها فحش به دین و خدا و رسول و رهبران و مسئولین است. یعنی دین و اسلام و تشیع را مسبب همه بدبختی‌ها می‌دانند و اینست تنها تحلیل و فهم دینی عامه مردم از اوضاع! و این مرحله‌ای فراتر از سکولاریزم اندیشه است. این عین خصومت اندیشه با دین است. یعنی همه تحلیل‌ها و اندیشه‌ها ضد دینی شده است. یعنی اندیشه دینی جامعه ما ضد دینی شده است و ضدیت با دین محور همه اندیشه‌هاست.

اینست که اکثر مردم در مطالعه تحلیل و تفاسیر دینی ما از جهان به خشم می‌آیند و به ما هم فحش می‌دهند و می‌گویند: این هم یک عنصر حکومتی است که مشغول تطهیر دین است!! چرا که مردم، دینی غیر از آنچه که از جمهوری اسلامی دیده‌اند نمی‌شناسند. پس دفاع از دین خدا مترادف است با دفاع از حکومت!

اینست که ما و آثارمان به‌طور مطلق در همه رسانه‌های پوزیسیونی و اپوزیسیونی بایکوت و ممنوع هستیم. ما فقط در جمهوری اسلامی ایران ممنوع‌القلم نیستیم بلکه کل رسانه‌های فارسی زبان هم ما را ممنوع‌القلم کرده‌اند.

پس شاهدیم که همه رسانه‌های پوزیسیونی و اپوزیسیونی در سکولارسازی اندیشه جامعه ایرانی مشترک‌المنافع هستند. و این راز همه فلاکت‌های مردم ایران است.

اپوزیسیون ایرانی بنای سکولاریزم سیاسی را نهاده است ولی نظام جمهوری اسلامی ایران بنای سکولاریزم فکری و عقیدتی جامعه را نهاده که به مراتب مهلک تر از سکولاریزم سیاسی است که این بنای شوم و شیطانی از همان سال های آغاز پیروزی انقلاب نهاده شد که همه گروه ها را از اظهار نظر دینی منع نمود و دین را مختص و محصور در حاکمیت ساخت و هر اظهار نظر دیگری متهم به التقاط و خیانت گردید و سر از زندان و میدان اعدام درآورد. و لذا تعداد زندانیان و اعدامیان دینی بسیار بیشتر از منتقدین غیردینی بود. این سنگ زیربنای سکولاریزم فکری جامعه بود که تا به امروز ادامه یافته است. و این از برکات دین حکومتی بود که دین را بر مردم حرام نمود.

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۲/۱۵